

هونها

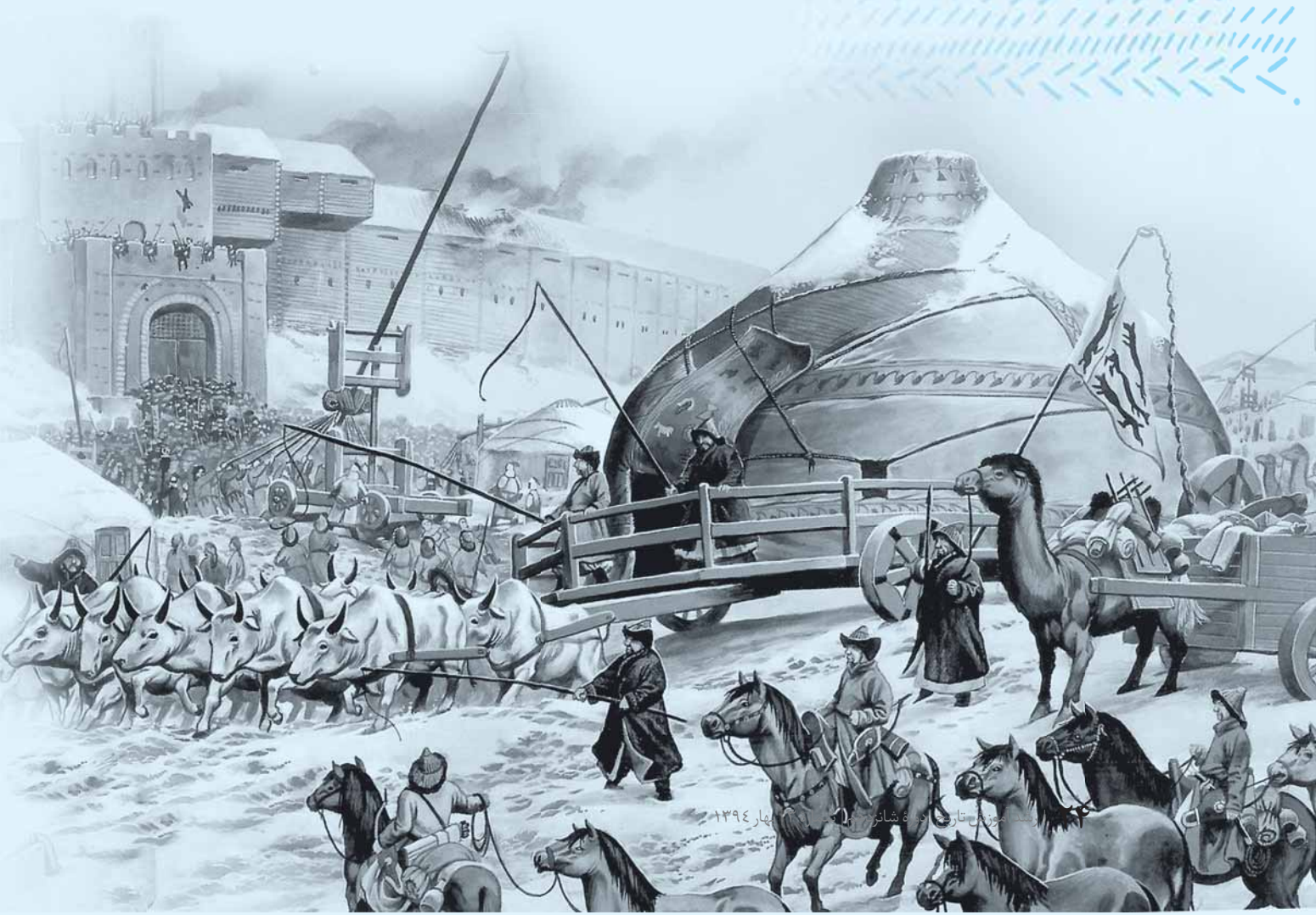
محققان تاریخ دربارهٔ این قوم چه می‌گویند؟

دکتر ترجم امیری امرایی
دبیر تاریخ، رومشکان (خوزستان)

اشاره

از اقوامی که در منابع تاریخی ما از حمله آن‌ها به ایران بارها سخن رفته است اقوام «هون» هستند. در خصوص هون‌ها و اینکه از چه نژادی بودند و از کجا آمدند و در تاریخ چه کردند، محققان ایرانی و غیرایرانی پژوهش‌های چندی انجام داده‌اند. در این بین نظرات مختلف و گاه متناقضی دیده می‌شود. اینکه چرا در خصوص هون‌ها این اندازه اختلاف نظر وجود دارد دلیلی روشن دارد که در این مورد صحبت خواهیم کرد، اما ابتدا در مورد هویت این اقوام صحبت خواهیم کرد و در پایان با توجه به منابع چندی که در این مورد وجود دارد نتیجه‌گیری خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: هون‌ها، نژاد مغول، اقوام



هویت هون‌ها

در لغت‌نامه دهخدا در مورد نژاد هون‌ها سخنی نیامده و تنها به بیان اینکه قبیله‌ای از اقوام زردپوست هستند بسنده شده است (هون‌ها، ۲۳۵۹۳). دکتر محمد معین در فرهنگ معین کمی بیش از دهخدا ابراز نظر کرده و هون‌ها را **تاتار** می‌داند (هون، ۲۳۱۳). شادروان **عنایت‌الله رضا** معتقد است که هون‌ها از هیچ نژادی جز نژاد ایرانی نیستند. وی معتقد است که چون نام پادشاه هفتالیان یا هپتال‌ها که یکی از شعبه‌های هون‌ها بودند «خوشنواز» بوده است، این نام هیچ قرابتی با زبان‌های ترکی و چینی ندارد بلکه پارسی بودن آن روشن‌تر از آن است که در مورد آن توضیحی آورده شود، و یک نام ایرانی است پس هپتال‌ها (هون‌ها) نژادی ایرانی داشته‌اند. رضا ادامه می‌گوید: «جای تردید نیست که بعدها ترک‌ها به سرزمین آنان (هون‌ها) راه یافتند و رفته‌رفته زبان ترکی را بر مردم بومی آن سرزمین مسلط گردانیدند. مشابه این وضع در مورد بسیاری از اقوام دیگر، چون مردم سغد، خوارزم، چاچ، قفقاز و نیز سرزمین روم و به دیگر سخن آسیای صغیر و قسطنطنیه صادق است.» (رضا، ۱۳۵۶: ۳۸).

آرتور کریستن سن هون‌ها را همان خیون‌ها و محل سکونت آن‌ها را داشت‌های شمال مرو می‌داند. (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۳۵۲-۳۵۱). در دایرة المعارف‌ها و از جمله دایرة المعارف فارسی اطلاعاتی در مورد نژاد هون‌ها نیامده است و تنها به بیان کلیتی در مورد زندگی آن‌ها اکتفا شده است. دکتر غلامحسین مصاحب و همکارانش هون‌ها را ایلی چادرنشین و از نژادی ناشناخته معرفی کرده‌اند که از دل آسیای میانه برخاسته‌اند و «علی‌رغم شباهت عادات و روش‌های جنگی آن‌ها به هون‌های سفید و مجارها و مغول‌ها و ترک‌ها، ارتباطشان با این اقوام یا بسیار ضعیف است و یا در مورد مجارها و ترک‌ها مبنای درستی ندارد» (هون‌ها، ۳۳۲۵). بارتولد نیز معتقد است که هون‌ها ترک

هستند و ترک‌های قرن ششم را نیز از اخلاف هون‌ها می‌داند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۳۳).

علی‌رغم نظرهای مختلف و متناقضی که در مورد هون‌ها بیان شده است، به نظر می‌رسد آنچه به واقعیت نزدیک‌تر است این است که آن‌ها را از نژاد مغول باید دانست. آنچه در مورد آن اختلاف نظری نیست این است که هون‌ها مردمی بی‌سواد و به دور از مدنیت بودند. اقوامی چادرنشین که همه چیز خود را بر پشت اسب‌ها و دیگر چارپایانشان می‌نهادند، بچه‌هایشان را بر روی ارابه‌هایشان می‌زادند و به جایی دل‌بستگی و تعلق خاطر نداشتند. همین موجب شده است که از آن‌ها اطلاعاتی دقیق و یا مستند به‌جای نمانده باشد.

محققان هون‌ها را افرادی با سر بزرگ، صورت پهن، چشمانی بادامی شکل، دارای قدی کوتاه و گونه‌های برجسته معرفی کرده‌اند که بر صورت ریش ندارند جز مقدار اندکی که بر چانه آن‌هاست. علاوه بر شکل ظاهر درباره دیگر خصلت‌های هون‌ها می‌گویند مردمی وحشی بودند که همه چیز را بر سر راه خود نابود می‌کردند؛ تا جایی که «آتیلا گفته بود که هر جا توسن او پای بگذارد از آبادی و خرمن‌نشانی نخواهد بود» (محیط طباطبایی، ۱۳۳۵: ۱۱۲)، شیوه جنگ و گریز هون‌ها به این صورت بود که در هنگام جنگ پس از اندکی درگیری فرار می‌کردند و دشمنان خود را به دنبال خود تا جایی می‌کشاندند و در این هنگام برگشته و شکست سختی به آن‌ها وارد می‌کردند. این خصوصیت‌ها به ما کمک می‌کند تا به این نتیجه برسیم که بین هون‌ها و مغول‌ها نزدیکی بسیار قابل توجهی وجود داشته به‌صورتی که این نزدیکی را جز بر مبنای هم‌نژاد بودن بر هیچ مبنای دیگری نمی‌توان نهاد. بر این اساس می‌توان گفت که هون‌ها از نژاد مغول‌ها بوده‌اند. **رنه گروسه** می‌گوید: «نژاد این‌ها (هون‌ها) ترک و مغول است و در حدود سرحدات چین

به جنوب‌جوش پرداخته‌اند (رنه گروسه، ۱۳۶۸: ۳۵). برخی دیگر از محققان نیز هون‌ها را از نژاد مغول‌ها می‌دانند. «ایلغار مغول دشوارترین آسیب‌ها را به کشور ایران رسانیده و ناگوارترین خطرات تاریخی را در دفتر حوادث ایام به یادگار گذارده است. آنچه را خویشاوند پیش قدم **چنگیز**، آتیلا در وصف تاخت‌وتاز هون‌ها گفته بود، کردار چنگیز و اولاد او در یورش‌های متوالی به ایران صورت فعلیت بخشید» (محیط طباطبایی، ۱۳۳۵: ۱۱۲).

چگونگی تشکیل هون‌ها

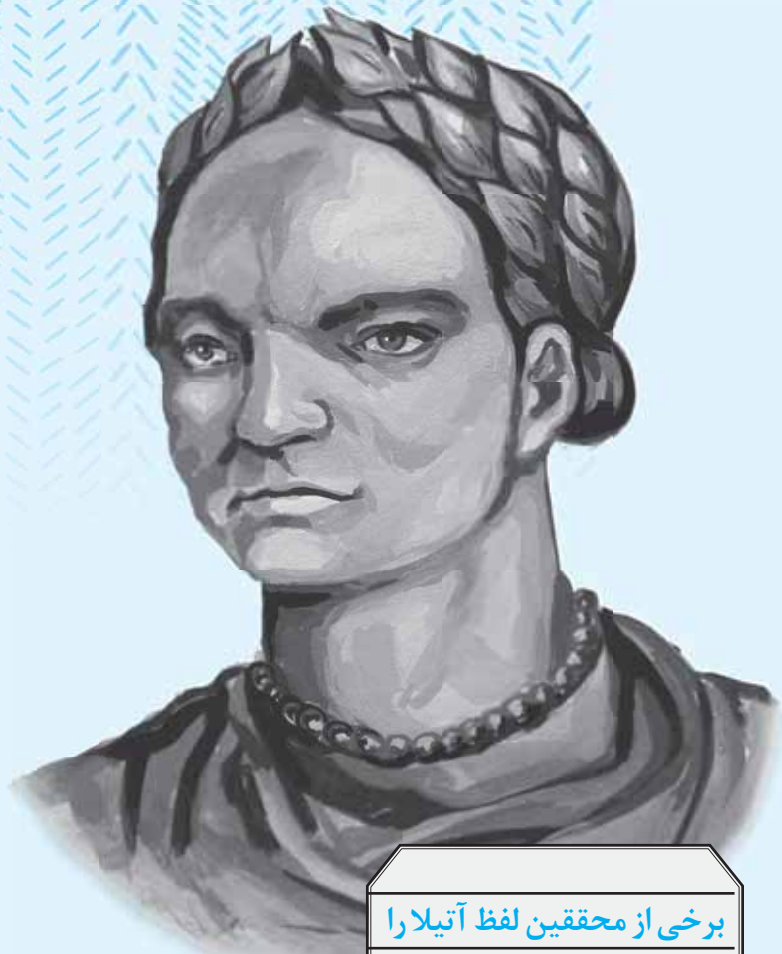
بخش خاوری سرزمین روسیه تحت تسلط اقوام و قبایلی از ترک‌ها و مغول‌ها بود که چینی‌ها به آن‌ها «هیونگ‌نوها» می‌گفتند. برای جلوگیری از هجوم این اقوام وحشی بود که چینی‌ها دیوار عظیم چین را در سرحدات خود ساختند.

فرمانده و رئیس و شاید بتوان گفت پادشاه هیونگ‌نوها شخصی بود به نام «چنگ لی کو تو شان یو». هر چند این اقوام اساساً صحراورد بودند و اقامتگاه مشخصی نداشتند اما شاید بتوان محدوده اقامتگاه آن‌ها را کوهستانی به نام «اور خون علیا» دانست که بعدها پایتخت مغولان شد.

چینی‌ها «هیونگ‌نو»ها را مردمی کوتاه‌قد و تنومند با صورت‌های پهن و گونه‌هایی برجسته، سیبل‌انویه با ریشی بسیار کم در ناحیه چانه و گوش‌های دراز و سرهایی تراشیده، ابروانی پهن و دیدگانی بادامی شکل توصیف می‌کنند.

دین هیونگ‌نوها

هر چند این اقوام کارهایی بسیار وحشیانه انجام می‌دادند و رفتار حیوانی داشتند، اما مقدساتی هم داشتند که بر مبنای آن عباداتی به شیوه خود انجام می‌دادند. دین هیونگ‌نوها بر مبنای پرستش **آسمان** بود که در بین آن‌ها بسیار مقدس بود. علاوه بر آسمان برخی از کوه‌ها



یافت و هیونگ نوها تا نزدیکی های پکن امروزی پیش رفتند تا سرانجام در يك جنگ عظیم، چینی ها، هیونگ نوها را تا مغولستان عقب راندند. پس از سلسله جنگ هایی که بین این دو قوم صورت گرفت و پس از تسلط چینیان بر جاده ابریشم، هیونگ نوها در درون دچار اختلاف شدند؛ به این صورت که دو نفر از آن ها به نام های «هوهان یه» و «چه چه» برای به دست آوردن لقب «چان یو» به رقابت و در نهایت دشمنی با هم پرداختند. «هوهان یه» به چینیان پناه برد و از آن ها کمک خواست و حتی با یکی از شاهزادگان چینی ازدواج کرد. همین امر موجب شد تا «چه چه» مغولستان را ترک کند و برای به دست آوردن ثروت به طرف غرب مغولستان، یعنی ترکستان روس فعلی حرکت کند. وی در طول راه قبایل زیادی را شکست داد و تحت امر خود درآورد.

این تنها انشعاب در بین هون ها نبود بلکه اختلافاتی که بارها در بین آن ها ایجاد می شد موجب انشعاب های زیادی در بین آن ها گردید. اگر بخواهیم به طور خلاصه در این مورد صحبت کنیم باید هیونگ نوهای شمالی، هیونگ نوهای جنوبی، هیونگ نوهای شرقی و هیونگ نوهای غربی را نام ببریم که هر کدام تحت امر يك شخص، مدتی موجودیت خود را اعلام می کردند، اما پس از مردن رئیس خود پراکنده می شدند. همین پراکندگی ها موجب ضعف هیونگ نوها در برابر چین و سیادت چین بر آسیای میانه می شد.

از بین انشعاب هایی که در هون ها صورت گرفت دو گروه آن ها در تاریخ جای بیشتری دارند. یکی هون های غربی که بازماندگان آن ها در اروپا ظاهر شدند و دیگر هون های جنوبی که به نام های «هیاطله» و «هفتالیان» و «هپتالیان» معروف شدند و این ها همان هون هایی هستند که در دوران باستان بارها به ایران حمله کردند.

نیز برای آن ها مقدس بودند و آن ها را می پرستیدند.

زبان هیونگ نوها

درباره زبان هیونگ نوها تحقیقاتی صورت گرفته است. برخی از محققان از جمله کوراکیکی شیراتوری تصور می کنند که زبان این اقوام مغولی بوده است. پژوهش گر دیگری به نام پلیو معتقد است که زبان این اقوام زبان يك قوم ترك است (رنه گروسه، ۱۳۶۸: ۶۳-۶۲).

جنگ های هیونگ نوها

همسایگی هیونگ نوها با اقوام چینی موجب شد که این اقوام بارها با هم درگیر شوند و هون ها هر بار به بهانه ای به سرزمین چینی ها حمله کنند. جنگ بین این اقوام سال ها ادامه

برخی از محققین لفظ آتیلا را

بلای آسمانی ترجمه کرده اند

و کارهای آتیلا و هون ها را

متناسب با معنای نام آتیلا

دانسته اند. اما از این نکته

غافل بوده اند که کلمه آتیلا

برگرفته از کلمه «آتا» (Atta)

است که در زبان هون ها به

معنای شاه، رئیس، قاضی و

پدر است

هون‌ها در اروپا

هون‌ها که از احفاد و اعقاب هیونگ نوه‌های غربی بودند، به دلایل نامعلوم مرغزارهای شمال آرال را ترک کردند و به سمت اروپا رفتند. آن‌ها در اروپا پیش می‌رفتند و قبایل زیادی را شکست می‌دادند و یا بدون جنگ آن‌ها را تحت امر خود درمی‌آوردند. این اقوام وحشی هر چه جلو می‌رفتند، همه چیز را با خود نابود می‌کردند.

هون‌ها از شرق وارد اروپا شدند و با تهدید امپراطوری روم و قبایل آلمانی سبب بزرگ‌ترین تغییرات در سواحل مدیترانه شدند. مهاجرت آن‌ها را باید بزرگ‌ترین مهاجرت نامید. (J.MAENCHEN-HELFFEN; ۱۹۷۳; ۸)

این اقوام وحشی و بدوی، بخش زیادی از اروپا را تصرف و همه مجارستان را اشغال کردند. شکست اقوام اروپایی و پیروی آن‌ها از هون‌ها موجب تمکن مالی هون‌ها شده بود. در این زمان هون‌ها یک بار دیگر انشعاب کردند و به سه گروه تقسیم شدند. سه برادر به نام‌های «رواس» یا «روژبلا»، «موندوزوک» یا «موندیوک» و «اوکتار» بر هر گروه سلطنت می‌کردند. «موندوزوک» دو پسر داشت به نام‌های «بلدا» و «آتیل». پس از پدر، آتیل به زودی برادر خود را کشت و به تنهایی رهبری قوم را بر عهده گرفت.

آتیل در سال ۴۴۱ با امپراطوری روم به جنگ پرداخت و در این جنگ پیشرفت‌های چشمگیری به دست آورد و امپراطور روم با رضایت سرزمین‌های زیادی را به آن‌ها واگذار کرد. جنگ آتیل با اروپایی‌ها ادامه یافت و او سرزمین‌های زیادی را تصرف کرد. اما به سال ۴۵۳ م درگذشت. پس از مرگ آتیل امپراطوری او که با اتحاد اقوام نامتجانس تشکیل شده بود از هم پاشید و قبایل زیادی که تا پیش از این مطیع هون‌ها بودند به جنگ با آن‌ها پرداختند.

هون‌ها به دلیل بی‌سوادی هیچ اثر مکتوبی از خود به جای نگذاشته‌اند.

تنها چیزی که از آن‌ها باقی مانده است پاتیل‌های بزرگ و اسلحه‌هایی است که در آرامگاه‌های آن‌ها پیدا شده است. (همان: ۱۰)

با بررسی منابع مختلف به نظر می‌رسد هر کدام از نویسندگان بیشتر بر مبنای حدس و گمان نظری را ابراز داشته‌اند.

آتیلای بالای آسمانی؟

برخی از محققین لفظ آتیلارا بالای آسمانی ترجمه کرده‌اند و کارهای آتیلای و هون‌ها را متناسب با معنای نام آتیلای دانسته‌اند. اما از این نکته غافل بوده‌اند که کلمه آتیلای برگرفته از کلمه «آتا» (Atta) است که در زبان هون‌ها به معنای شاه، رئیس، قاضی و پدر است.

نویسندگان اروپایی آتیلارا چه از نظر ظاهر و چه از نظر سیرت و خصوصیات اخلاقی، نماینده و نماد هون‌ها می‌دانند. (رنه گروسه، ۱۳۶۸: ۱۵۳). اروپاییان او را تازیانه خداوند دانسته‌اند. آتیلای مردی بسیار غضبناک و مخوف با قدی کوتاه و سینه‌ای پهن و سری بسیار بزرگ بود. شمشیری داشت که آن را مریم می‌نامید و معتقد بود که آن شمشیر را خدای جنگ از آسمان برای او فرستاده است و به همین دلیل خود را دارای نیرویی آسمانی می‌دانست.

اما همه اظهارنظرها در مورد هون‌ها و آتیلای منفی نیست. برخی از محققان آن‌ها را دارای تمدن دانسته و نکات روشن و مثبتی را در زندگی آن‌ها نشان داده‌اند. «این مردم آسیایی نه تنها غارتگران افسارگسیخته نبودند بلکه دولت‌های رسمی و منظم بودند که با ممالک مهم آن عصر ارتباط‌های سیاسی مرتب و باقاعده داشتند. دولت رومی شرقی در دربار ایشان سفیر دائم داشت. یکی از این سفیران موسوم به پریسکوس (Priscos) از دوره اقامت خود در آن دیار گزارش بس شیرین به یادگار گذاشته است.» (حریری، ۱۳۴۴: ۱۶۰).

نتیجه

هون‌ها از نژاد مغول و ترک هستند که در سرحدات چین ساکن بودند. به دلیل اختلافاتی که با خود داشتند به بخش‌های مختلفی تقسیم شدند و هر کدام به طرفی حمله‌ور شدند. هون‌های غربی ابتدا با سرکردگی «چه چه» و در نهایت با فرماندهی آتیلای به اروپا حمله کردند. هون‌های جنوبی نیز که به هیاطله یا هیپتالیان معروف شدند به طرف مرزهای ایران حرکت کردند و جنگ‌های طولانی با ایرانیان داشتند.

پی‌نوشت

۱. این نام برخلاف ظاهر چینی آن دارای الفظی است که ریشه ترکی دارد از جمله «چنگ‌لی» به معنی پسر آسمان.

منابع

۱. بارتولد، واسیلی ولادیمیر، تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه دکتر غفار حسینی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶.
۲. حریری، علی‌اصغر، آتیلای بالای آسمانی، وحید، شماره ۲۶، بهمن ۱۳۴۴.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، چاپ دوازدهم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
۴. رضا، عنایت‌الله، گوشه‌ای تاریخ از تاریخ شاهنشاهی و هرام پنجم شاهنشاهی ساسانی، بررسی‌های تاریخی، سال دوازدهم، شماره ۶، بهمن و اسفند ۱۳۵۶.
۵. رنه گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.
۶. کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشیدی‌یاسمی، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
۷. مارکوارت، بوزف، ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۸۳.
۸. محیط‌طباطبایی، سیدمحمد، خواجه‌نصیر و مردم زواره، یغما، شماره ۹۵، خرداد ۱۳۳۵.
۹. مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان، سازمان تربیت‌معلم و تحقیقات تربیتی، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۳.
۱۰. مصاحب، غلامحسین، دایره‌المعارف زبان فارسی، چاپ سوم، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۱. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ هشتم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۲. یکتایی، مجید، سرزمین قفقاز و مردم آن، بررسی‌های تاریخی، شماره ۳۶، آذر و دی ۱۳۵۰.
13. THOMPSON E. A, THE HUNS, OXFORD UNIVERSITY, OXFORD, 2002.
14. OTTO MAENCHEN-HELFFEN, THE WORLD OF THE HUNS, UNIVERSITY OF THE CALIFORNIA, LOS ANGELES, 1973.